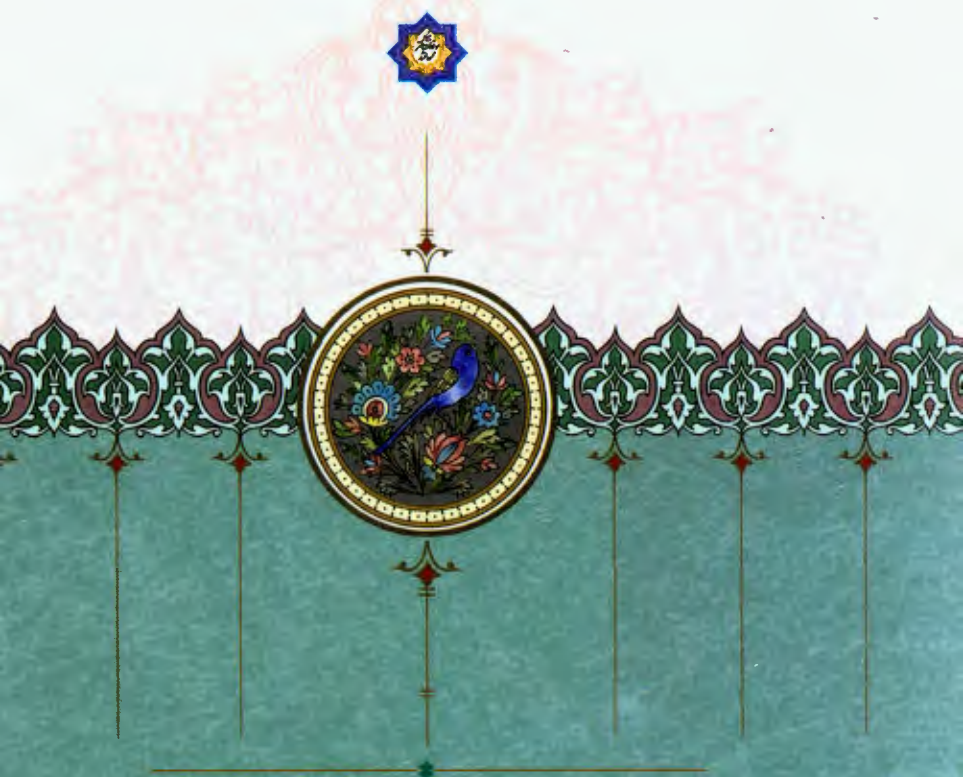




نادرشاه

یاغی ایرانی

گزارش کمپانی هند شرقی هلند دربارهٔ
نخستین سال‌های فرمانروایی نادرشاه افشار

کارل کوناد

ترجمه

ویلم فلور، داریوش مجلسی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
نادرشاه؛ یاغی ایرانی؛ گزارش کمپانی هند شرقی هلند دربارهٔ نخستین سال‌های فرمانروایی نادرشاه افشار/ کارل کوناد؛ ترجمهٔ ویلم فلور و داریوش مجلسی؛ ویراستار سید صادق سجادی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱.
۱۴۱ ص.
مجموعهٔ انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۳۱۴. گنجینهٔ اسناد و تاریخ ایران؛ ۹۴.
۳-۴۱-۶۲۲-۷۷۰۶-۹۷۸
- وضعیت فهرست‌نویسی
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع
شناسهٔ افزوده
شناسهٔ افزوده
شناسهٔ افزوده
شناسهٔ افزوده
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شمارهٔ کتابشناسی ملی
- کوناد، کارل. Koenad, Carl.
نادرشاه؛ یاغی ایرانی؛ گزارش کمپانی هند شرقی هلند دربارهٔ نخستین سال‌های فرمانروایی نادرشاه افشار/ کارل کوناد؛ ترجمهٔ ویلم فلور و داریوش مجلسی؛ ویراستار سید صادق سجادی. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱.
۱۴۱ ص.
مجموعهٔ انتشارات ادبی و تاریخی دکتر محمود افشار؛ ۳۱۴. گنجینهٔ اسناد و تاریخ ایران؛ ۹۴.
۳-۴۱-۶۲۲-۷۷۰۶-۹۷۸
- فیبیا.
ص.ع. به انگلیسی: The Iranian Rebel: Nader Shah Afshar...
گزارش کمپانی هند شرقی هلند دربارهٔ نخستین سال‌های فرمانروایی نادرشاه افشار. نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ ق.
فلور، ویلم، ۱۹۲۲-۲۰۰۴، مترجم.
Floor, Willem
مجلسی، داریوش، مترجم.
سجادی، سید صادق، ۱۳۳۳-، ویراستار.
DSR ۱۲۶۵
۹۵۵/۰۷۲۲
۸۸۱۹۷۷۱

نادر شاه

یاغی ایرانی

گزارش کمپانی هند شرقی هلند درباره
نخستین سال‌های فرمانروایی نادر شاه افشار



کارل کوناد

ترجمه



ویلم فلور، داریوش مجلسی

ویراستار



سید صادق سجادی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۹۴]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفاایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



نادر شاه یاغی ایرانی

گزارش کمپانی هند شرقی هلند درباره
نخستین سال های فرمانروایی نادر شاه افشار

کارل کوناد



مترجم	ویلم فلور، داریوش مجلسی
ویراستار	سید صادق سجادی
گرافیکست، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگلر
حروفچین و صفحه آرا	مریم ترکاشوند
لینتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	فرد
تیراژ	۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول	۱۴۰۱
ناشر	انتشارات دکتر محمود افشار
	خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف نسب، کوی دبیرسیاکی (لادن)، شماره ۶
	تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دوزنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵
	با همکاری انتشارات سخن
	خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
	تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دوزنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
	تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان ها
	۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قفنامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - دبیر)
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذرماه ۱۳۵۸ شمسی

مستوفی

تکمله سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است دربر داشته، کتابی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزله باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبدا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون‌توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

۱۵.....	پیشگفتار.....
۱۹.....	مقدمه.....
۲۳.....	نادرشاه: یاغی ایرانی.....
۲۵.....	یورش محمود غلزایی و ظهور نادر.....
۷۴.....	ترجمه نامه طهماسب [قلی] خان به جناب آقای «لیندرت دکلین».....
۷۶.....	ترجمه تذکره طهماسب [قلی] خان به میرزارحیم و سایر مسئولان اصفهان.....
۷۹.....	جنگ‌های نادر.....
۹۰.....	ترجمه رقم شاهنشاهی از طرف اعلی حضرت نادرشاه از قندهار به فرماندار اصفهان.....
۹۵.....	ترجمه رقم اعلی حضرت نادرشاه، به پسر خود رضاقلی میرزا.....
۹۷.....	ترجمه رقم شاهنشاه ایران از پیشاور به پسر میانی خود نصرالله میرزا.....
۹۹.....	ترجمه رقم شاهانه اعلی حضرت شاه ایران، برای پسرش ولیعهد رضاقلی میرزا.....
۱۰۲.....	ترجمه رقم نادرشاه یا ولی نعمت از دهلی به پسر خود، رضاقلی میرزا ولیعهد.....
۱۱۱.....	شورش شاهجهان آباد.....
۱۱۲.....	متن فرمان شاهانه نادرشاه از دهلی برای پسرش رضاقلی میرزا نایب السلطنه.....
۱۱۷.....	بدهکاری همایون شاه به ایران.....

- فرمان شاهانه ولی نعمت، به فرماندار اصفهان، ابوالحسن خان ۱۱۹
- نامه شاه ولی نعمت از اورگنج برای پسرش رضاقلی میرزا در مشهد ۱۲۱
- رقم شاهنشاه ولی نعمت به سردار ایالات جنوبی جناب امام وردی خان ۱۲۶
- رقم سلطنتی شاهنشاه برای قدردانی از خدمات مختلف دریاری کمپانی ۱۲۷
- نمایه ها ۱۳۳

پیشگفتار

کتاب حاضر گزارشی است مختصر و پرفایده درباره کلیات آخرین روزهای پادشاهی صفویه و کوشش‌های نادرشاه برای اعاده قلمرو ایران، که بر اثر ضعف آخرین شاهان حرمسرانشین و بی‌خرد صفوی، عرصه تاخت و تاز خودی و بیگانه شده بود. نویسنده گزارش، و به اقرب احتمال بقیه اعضا دفاتر کمپانی هند شرقی هلند در ایران، ظاهراً بنا به دلایل مالی، نه تنها استیلای نادر را نمی‌پسندیدند، بلکه به‌رغم برخی همراهی‌های نادر با آن‌ها، نسبت به او دشمنی می‌ورزیدند و گاه نسبت‌هایی به او داده‌اند که پذیرفتن آنها بدون مدارک متقن، و لااقل شواهد و قرائن قابل اعتنا، ناممکن می‌نماید. عنوان یاغی ایرانی که به او داده‌اند، غیر از آنچه در متن گزارش خواهید خواند، این دشمنی را نشان می‌دهد. چنین به نظر می‌رسد که قسمتی از آنچه نویسنده گزارش درباره نادر نوشته است - به استثنای نامه‌های او - مبتنی بر روایات شفاهی کسانی بوده است که بنا بر سنت نامیمون بعضی اشخاص که گفتار و کردار راست را عملاً از رذایل می‌دانند و مخصوصاً حسادت و ریا و

دروغ از فضایل ذاتی آنهاست، تر و خشک و راست و دروغ را به هم بافته‌اند. زیرا از قدرت‌یابی پسر پوستان‌دوز که بر مسند مرشدان کامل مستولی شده و راه‌های سوءاستفاده‌های کارگزاران متقلب آنها را بسته بود، خوشدل نبوده‌اند. علاوه بر آن کتاب خالی از برخی اغلاط تاریخی و تحریف بعضی نام‌های ترکی و فارسی و هندی نیست. این نام‌ها و اغلاط ضمن مراجعه به منابع معتبر تاریخ عصر نادر حتی‌المقدور اصلاح شده است.

علاقهٔ هلندی‌ها به وضع ایران در این دوره که کارل کوناد، رئیس بازرگانی کمپانی هند شرقی هلند در ایران، را برانگیخت تا دستور دهد گزارشی دربارهٔ سقوط صفویان و استیلای نادر بنویسند، غیر از فوایدی که این اطلاعات به طور مستقیم برای اتخاذ تدابیر تجاری و اقتصادی کمپانی در ایران داشت، حاصل نگاه عمومی و توجه روزافزون کشورهای قدرتمند اروپایی بود که می‌کوشیدند پایگاه‌های سیاسی هم در آسیا بیابند تا فعالیت‌های تجارتی خود را مورد حمایت قرار دهند و تثبیت کنند. تحقق این هدف با وجود دولت‌های مقتدر عثمانی و ایران و هند، ممکن نبود. از این رو برخورد این حکومت‌ها، از جمله اشغال صفحات غربی ایران توسط عثمانی‌ها در اواخر عصر صفوی، ظهور نادر و شکست‌هایی که بر عثمانی وارد کرد، استیلای او بر هندوستان و سرکوب ازبکان و تاخت و تازش در قفقاز، و به طور کلی در افتادن دولت‌های بزرگ شرق به جنگ و کشمکش با یکدیگر، مخصوصاً با امپراتوری عثمانی که از بیش از دو قرن پیش قسمتی از اروپا را تصرف کرده و همواره خطری بزرگ برای آنها محسوب می‌شد، مهم و حیاتی بود. از این‌ها مهم‌تر آن

که اروپایی‌ها چون می‌دیدند ممکن است این کشورگشای نورسیده نه تنها مانع فعالیت‌های سیاسی و تجاری آنها شود، حتی ممکن است خود آنها را مورد تهدید قرار دهد، علاقه‌شان درباره کسب اطلاع درباره او بیشتر شد. گزارش‌هایی که درباره نادر به قلم اتباع یا مأموران سیاسی و تجاری روسی و انگلیسی و هلندی در این دوران نوشته شده است حاصل همین نظر است.

آنچه گزارش حاضر را از متون تاریخی و گزارش‌های دیگران متمایز می‌کند و ارزشی انکارناپذیر به آن می‌دهد، درج چند فقره از نامه‌های نادرشاه به پسران خود، رضاقلی و نصرالله‌میرزا، به فرمانداران اصفهان و به کمپانی هلندی است. نسخه‌ای از این نامه‌ها را، پس از وصول به دست صاحبانشان یا اعلان عام بعضی از آنها، کارگزاران ایرانی کمپانی به دست آورده و برای مدیران خود فرستاده‌اند. آنچه در یادداشت‌های حاضر آمده است ترجمه هلندی آن نامه‌هاست که اکنون به فارسی ترجمه شده است. متأسفانه عین متن فارسی نامه‌ها ضمیمه این گزارش نیست. در منابع موجود ایرانی هم مضامین کلی بعضی از این نامه‌ها آمده است و عین نامه‌ها نقل نشده است. از این نامه‌ها نکات بسیار مهم درباره خلق و خوی نادر، رفتارهای سیاسی او و نگاهش به اتباع ایرانی خود به دست می‌آید که غالباً با اوصافی که در گزارش کمپانی هلندی درباره او آمده است، متناقض می‌نماید.

صادق سجادی

پاییز ۱۴۰۰

مقدمه

کارل کوناد^۱ مدیر بخش تجارت کمپانی هند شرقی هلند در ایران بود. او احتمالاً در سال ۱۷۴۰ دستور داد گزارشی از زندگی نادرشاه بنویسند. البته من نتوانستم دستوراتی در این زمینه پیدا کنم، یا دریابم چرا او می‌خواست این گزارش نوشته شود. تنها دلیل محتمل علاقه زیاد اروپا به ظهور و خاستگاه نادرشاه است. از این رو این گزارش تنها سند مفصلی نیست که در آن زمان درباره نادرشاه نوشته و منتشر شده است. اگرچه این گزارش را خود کوناد ننوشته است، اما حتماً آن را خوانده است، زیرا به هر حال او مسئول مندرجات این نوشته بوده است.

او از سال ۱۷۱۵ به ایران رفت و بنابراین شرایط مدیریت و دستور نگارش چنین گزارشی را داشت. کوناد کار خود را با کمپانی به‌عنوان سرباز در بندرعباس آغاز کرد و به‌تدریج بر اثر لیاقت و خدماتش ترقی کرد. مدتی معاون رئیس شعبه کمپانی در بصره بود (۳۱-۱۷۲۷م)؛ و در سال ۱۷۳۴ به مدیریت نمایندگی کمپانی در ایران دست یافت و از ۱۷۳۶

با حفظ سمت، ریاست بخش تجاری را هم به عهده گرفت. او ایران و ایرانیان را خوب می‌شناخت و با مقامات برجسته ایرانی، از جمله میرزاتقی‌خان شیرازی، احتمالاً تأثیرگذارترین مشاور و محرم نادرشاه، ارتباط داشت. به‌علاوه از وضع تجاری اصفهان، کرمان و بوشهر، که کمپانی در این نقاط شعبه‌های تجاری داشت، کاملاً مطلع بود. سرانجام در روابط کمپانی با دربار سلطنتی او تصمیم نهایی را می‌گرفت. احتمالاً هیچ اروپایی در آن زمان در ایران از او مطلع‌تر نبود.

از عنوان گزارش پیداست که هلندی‌ها مانند بسیاری از ایرانیان، نه همه آن‌ها، نادرشاه را شورشی‌ای می‌دانستند که تاج و تخت صفوی را غصب کرده است. به‌ویژه در نامه‌های اصفهان، عقیده به مشروعیت مستمر صفویان به دیده مردم ایران به‌خوبی دیده می‌شود. این دیدگاه منفی نسبت به نادرشاه نیز ممکن است به دلایل مالی باشد، زیرا دربار پادشاهی صفوی و مقامات آن بسیار به کمپانی هلند بدهکار بودند. چون دربار افشاریه به این بدهکاری افزود، امید می‌رفت که احیاء صفویه منجر به پرداخت این بدهی‌ها شود. واضح است که هلندی‌ها این انتظار را از نادرشاه نداشتند. در نهایت نامه‌های اصفهان او را بالای ایران می‌نامد.

آنچه بیشتر توجه‌برانگیز است این است که نویسنده گزارش، که هیچ از او جز نامش نمی‌دانیم، برای نگارش این گزارش با افرادی که نادرشاه را در جوانی می‌شناختند صحبت کرده است. به‌علاوه، این گزارش بعضی از آنچه را که به نظر ناشناخته می‌آید و فقط در اینجا یافت می‌شود، باز می‌گوید. البته این گزارش تمام داستان نادرشاه را بازگو نمی‌کند، بلکه بر رویدادهای اصلی دوران او متمرکز است. ظاهراً اطلاعات بسیار

بیشتری در اختیار نویسنده بوده است، اما او مجبور شده خود را محدود کند و گزارشی کوتاه بنویسد تا به سهولت خوانده شود. برای بسیاری از اطلاعاتی که در اینجا یافت نمی‌شود، خواننده را به کتاب خود در مورد نادرشاه ارجاع می‌دهم.

این گزارش که در آرشیو ملی هلند به شماره *VOC 2584* (برگ‌های ۱۸۸۱ تا ۲۱۰۰) محفوظ است، هرگز قبلاً حتی به زبان هلندی منتشر نشده است. بنابراین، شما خوانندگان فارسی‌زبان اولین کسانی هستید که گزارشی را می‌خوانید که به نظر می‌رسد به تازگی نوشته شده است و مرکب آن هنوز خشک نشده است. امیدوارم از خواندن این گزارش بهره‌مند شوید و از اهتمام نویسنده برای نوشتن آنچه در اصل اولین زندگی‌نامه نادرشاه است قدردانی کنید.

ویلم فلور